

تصویرگر: علیرضا میرشجاعی

خورشید زمین

از دوش دلم، مادر!
غم‌های مرا بردار
دنیای قشنگت را
یک لحظه به من بسپار

درهای محبت را
بر روی دلم وا کن
گنجایش قلبم را
اندازه دریا کن

بنشان گل خوبی را
در کاسه ایمانم
یک شاخه دعا بنشان
در مزرعه جانم

بگذار که با عشقت
من گرم‌ترین باشم
مانند تو مادر جان!
خورشید زمین باشم.

درخت

فکر می‌کنم هرگز نخواهی دید
شعری به زیبایی یک درخت
درختی که ریشه‌های گرسنه‌اش
از شیرۀ گوارای زمین تغذیه می‌کند

درختی که تمام روز
خدا را نظاره می‌کند
و شاخه‌هایش را بالا می‌آورد،
تا خدا را شکر گوید

درختی که در تابستان
شاخه‌های پر برگش
پناهگاه پرندگان است

درختی که برف را در آغوش می‌گیرد،
و با باران صمیمانه زندگی می‌کند

شعر را
ساده‌اندیشانی چون من می‌سازند،
اما تنها خداوند است که درخت را می‌آفریند.

شاهین رهنما

سروده آلفرد جویس کیلمر

ترجمه مجید عمیق

در سال ۱۸۸۶ در ایالت نیوجرسی آمریکا تولد یافت. وی
فارغ‌التحصیل رشته هنر از دانشگاه کلمبیاست. مجموعه شعرهای
وی عبارت است از: درختان (۱۹۱۴)، خیابان اصلی (۱۹۱۶)،
نقش ادبیات در خلاقیت (۱۹۱۷) او در سال ۱۹۱۸ در گذشت.

حتماً بخوانیم

تعلیم خط نستعلیق تحریری با خودکار

خط نستعلیق یکی از هنرهای قدیمی و عجیب با فرهنگ ایرانی - اسلامی به
شمار می‌رود. در این کتاب، روش تحریر و نگارش حروف فارسی با خودکار
آموزش داده شده است. نحوه اتصال حروف، کشیدگی‌ها، اندازه هر حرف و
نقطه‌گذاری از جمله مباحث آموزشی هستند.

- نویسنده: موسی روشی
- ناشر: انتشارات کوروش چاپ
- سال چاپ: ۱۳۹۳
- تلفن: ۰۲۱-۸۸۴۳۸۱۹۹



هنوز

نادم نه‌ای ز دور خود ای آسمان هنوز؟
دشمن به گریه آمد و تو سرگران هنوز
شرمت نشد فرات! که لب تشنه جان حسین
بسپرد در کنار تو و تو روان هنوز؟
غلطان به خون برادر با جان برابرم
دردا که زنده‌ام من نامهربان هنوز
ای شاه تشنه لب که برید از قفا سرت؟
کاید صدای العطش اش برسان هنوز
ای ساریان! عنان شتر بازکش دمی
در خواب رفته اصغر شیرین زبان هنوز

میرزا محمدتقی حجت‌الاسلام نیر تبریزی
شاعر قرن سیزدهم

رفتن و عبور

جاده‌های دوستی
پر از درخت خنده
پر از پرنده‌های مهربانی است
پر از بزرگراه‌های هم‌بانی است
قهرها و اخم‌ها
مثل سنگریزه‌های توی کفش
پای رفتن و عبور را
لنگ می‌کنند
قلب کفش‌های پا به راه را
تنگ می‌کنند.

مریم زندی

دوست

هم به فکر درختان
هم به فکر کلاغ و کبوتر
هم به فکر علف‌های هرز است
هم حواسش به دل‌تنگی سنگ
هم حواسش به تنهایی باد
هم به غم‌های پنهانی خاک
مهربانیش بی‌حد و مرز است.

فاطمه سالاروند

